

رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس دهم

نقد

اشعیا ۲۸-۳۰

هفته‌ی گذشته، نزدیک به پایان ساعت، بخش جدیدی از کتاب اشعیا را شروع کردیم: فصل‌های ۲۸ تا ۳۵. اشاره کردم که از بسیاری جهات، به نظر می‌رسد فصل‌های ۲۸ تا ۳۵ با کتاب عمانوئیل، که ۲۸ فصل‌های ۷ تا ۱۲ بود، موازی است؛ و به نظر می‌رسد که زمینه‌ی فصل ۲۸ که ما شروع به بررسی آن کردیم، سخنرانی برای جمعی از رهبران سرزمین - اشراف سرزمین - بود و به یاد دارید که در آیات اول، اشعیا از داوری‌ای که بر افرایم، پادشاهی شمالی - به ویژه بر سامره، پایتخت پادشاهی شمالی - نازل خواهد شد، صحبت می‌کند. او زبان تمثیلی دارد که از آن تاج غرور، از میخواران افرایم صحبت می‌کند؛ در اشاره به سامره، اما آن تاج توسط این تگرگ - این سیل آب‌های خروشان - که اشاره به آشور است، نابود خواهد شد. اما وقتی به آیه هفتم می‌رسید، اشعیا تمرکز سخنان خود را از شمال به مردمی که در مقابلش نشسته اند تغییر می‌دهد و می‌گوید: «اما اینها نیز از شراب و مسکرات گمراه شده‌اند و از راه» منصرف شده‌اند - در رؤیا گمراه می‌شوند و در داوری می‌لغزند

اشعیا ۲۸: ۸-۱۳ اشراف، اشعیا را مسخره می‌کنند - اشعیا پاسخ می‌دهد - زبانی بیگانه آنها را تعلیم خواهد داد

فصل ۲۸، آیه ۸: «زیرا همه سفره‌ها پر از استقراغ و کثافت است.» و سپس پاسخ را دریافت می‌کنید - یا آنچه این رهبران واقعاً پاسخ دادند یا حداقل آنچه که به آن فکر می‌کردند - و آن آیه نه و بعد از آن است: «به که معرفت بیاموزد؟ به که بفهماند؟ برای آنان که از شیر گرفته شده‌اند و به پستان کشیده شده‌اند؟ زیرا حکم باید روی حکم باشد، حکم روی حکم؛ سطر روی سطر، سطر روی سطر؛ اینجا کمی، آنجا کمی.» همانطور که در آیه ده اشاره کردم، در زبان عبری، کلمات به دلیل ارزش صوتی‌شان انتخاب تقریباً مانند یاهوگویی یک کودک یا نوزاد. بنابراین این ، *lekav* می‌شوند: این است *sav lesav* ، *کاو* اشراف‌زادگان اشعیا را مسخره می‌کنند: «چرا با این نوع گفتار کودکانه نزد ما می‌آیی؟ چرا با ما اینگونه رفتار می‌کنی؟» و سپس پاسخ اشعیا این است: «با لب‌های بیگانه و زبان دیگر، اگر نمی‌خواهید به تعلیم واضح خداوند گوش دهید، او با لب‌های بیگانه و زبان دیگر نزد شما خواهد آمد» - یعنی زبان مهاجمان مثل - *lekav* ، *sav lesav* «خارجی آشور. و آیه ۱۳ می‌گوید: «آنگاه کلام خداوند *کاو خواهد بود* یاهوگویی‌هایی خواهد بود که شما مرا به صحبت کردن با آنها متهم می‌کردید. بنابراین، در پایان جلسه قبل به همین جا بسنده کردیم. این ما را به آیه ۱۳ می‌رساند

اشعیا ۲۲-۲۸۴ - خطاب به اتحاد اشراف اورشلیم با آشور

فکر می‌کنم آیات ۱۴ تا ۲۲ کاملاً روشن می‌کند که پیش‌زمینه‌ای که تا این لحظه مطرح کرده‌ام، واقعاً راه درک این فصل است. به آنچه آیه ۱۴ می‌گوید توجه کنید - ۱۴ می‌گوید: «پس ای مردان حقیر که بر این قوم که در اورشلیم هستند حکومت می‌کنید، کلام خداوند را بشنوید.» ببینید، این خطاب به رهبران است: ای مردانی که بر این قوم حکومت می‌کنید - رهبران، اشراف سرزمین. به فصل‌های ۷ تا ۱۲، کتاب عمانوئیل، برگردید؛ پادشاه بود، آواز بود. حالا شما در مورد رهبران سرزمین صحبت می‌کنید. ای مردان حقیر که بر مؤمنان اورشلیم حکومت می‌کنید، کلام خداوند را بشنوید. زیرا گفته‌اید: «ما با مرگ پیمان بسته‌ایم و با شئول همداستانیم. وقتی بلای سهمگین از آن بگذرد، به ما نخواهد رسید؛ زیرا ما دروغ را پناهگاه خود قرار داده‌ایم؛ خود را در زیر دروغ پنهان کرده‌ایم.» در اینجا دوباره، فکر می‌کنم شما توصیفی از تفکر این اشراف دارید: ایده آنها این است که آنها این پیمان را با مرگ بسته‌اند؛ آنها با جهنم همداستان هستند، و فکر می‌کنم اشاره به این است که آنها با آشور - ملت بی‌خدای آشور - اتحاد کرده‌اند و این حمایت آنهاست. اما ایده آنها این است که *وقتی آشوریان نزدیک‌تر شوند، ما حمایت خواهیم داشت. زیرا ما دروغ را پناهگاه خود قرار داده‌ایم؛ خود را در زیر دروغ پنهان کرده‌ایم.* بنابراین آنها احساس می‌کنند که در امان هستند

سنگ بنای خدا [مسیح]

اما آیه ۱۶ می‌گوید: «بنابر این، خداوند چنین می‌گوید: اینک من در صهیون سنگ بنایی قرار می‌دهم،» سنگی آزموده، سنگی گرانبها، بنیادی مطمئن. هر که ایمان آورد، عجله نخواهد کرد

فکر می‌کنم منظور از آیه ۱۶ این است که خداوند - برخلاف آنچه آنها فکر می‌کنند - می‌گوید تنها پناهگاه در سنگ بنایی است که خود خدا گذاشته است. و آن چیست؟ فکر می‌کنم در این مرحله می‌توانیم بگوییم که ایمان به تدبیر خداوند است و تنها اراده او امن است. ایمان به تدبیر خداوند تنها امنیت اسرائیل است. «کسی که ایمان بیاورد عجله نخواهد کرد»؛ یعنی کسی که ایمان بیاورد بی‌صبر نخواهد بود، بلکه به خداوند توکل خواهد کرد. حال، آن تدبیر خداوند برای امنیت اسرائیل در نهایت مرکز خود را در شخص و کار مسیح می‌یابد. واقعاً به همان ایده در اشعیا ۷ تا ۱۱ برمی‌گردد، تدبیر عمانوئیل. بنابر این فکر می‌کنم در اینجا چیزی دارید که می‌توانید آن را «اشاره پنهان مسیحایی» بنامید - واضح و صریح نیست، اما اشاره پنهان مسیحایی است.

در استنادات شما - صفحه 20، وسط صفحه زیر تفسیر جی.ای. الکساندر در مورد پیشگویی‌های اشعیا - پاراگراف اول، که از صفحه 454 تفسیر اوست. دانشجو: «دوباره کدام صفحه؟» ۴۵۴. در صفحه

نقل قول‌ها آمده است، اما آن پاراگراف اول که ممکن است متوجه شوید از صفحه ۴۵۴ آمده است. ۲۰ متأسفانه، شماره صفحات از این مطلب حذف شده‌اند، از جایی که این نقل قول‌ها از آنجا آمده‌اند - آنها زیر مدخل کتابشناسی هستند اما متأسفانه با هر پاراگراف نیستند... اما آن پاراگراف اول از صفحه ۴۵۴ است که الکساندر می‌گوید: «شما برای امنیت به توهمات خود اعتماد دارید. برعکس، من یک پایه مطمئن می‌گذارم و هیچ پایه دیگری نمی‌تواند گذاشته شود. این پایه نه معبد (ایوالد) است، نه شریعت (اومبرایت) و نه خود صهیون (هیتزیگ) و نه حزقیا (گسنیوس)، بلکه مسیح است که در عهد جدید بارها و (صریحاً به او نسبت داده شده است. رومیان ۹:۳۳ - اگر به رومیان ۹:۳۳ نگاه کنید، [می‌گوید]: همانطور که نوشته شده است: اینک، من در صهیون سنگی لغزش‌دهنده و صخره‌ای از لغزش می‌گذارم. « و اول پطرس ۲:۶: «از این رو در کتاب مقدس نیز آمده است: اینک من در صهیون سنگ زاویه‌ای بزرگ می‌گذارم - برگزیده و گرانبها؛ هر که به او ایمان آورد، خجل نخواهد شد.» و این قطعاً در زمینه‌ای است که به وضوح به مسیح اشاره دارد. بنابراین دوباره به این سوال برمی‌خورید که اشعیا چقدر فهمیده بود که این اشاره به مسیح است؟ من خیلی مطمئن نیستم، و مطمئن نیستم که معاصران اشعیا به صراحت نوعی اشاره مسیحایی پیدا کرده باشند، اما اصلی که می‌بینید حقیقت است، یکی است: اعتماد به تدبیر خدا، امنیت اسرائیل است، و در نهایت، این از عمانوئیل، از خود مسیح می‌آید.

شتاب کنید» یا «خجالت بکشید» (ر.ک. رومیان ۹:۳۳):

بیاید به کلمه عبری «عجله کردن» نگاهی بیندازیم. این کلمه، سوم مفرد مذکر است. در واقع به می‌گوید: «کسی NIV معنای «شتاب کردن» است. حال می‌توان آن را به این معنا فهمید - همانطور که که اعتماد می‌کند، هرگز ناامید نخواهد شد... احتمالاً ببینید، احتمالاً پشت این ترجمه چیست... سپتواجینت ترجمه می‌کند که «خجالت نخواهد کشید»، که همانطور که می‌بینید، بسیار نزدیک‌تر به «هرگز ناامید نخواهد شد». سپتواجینت می‌گوید: «خجالت نخواهد کشید». رومیان ۹:۳۳ اینگونه آن را نقل می‌کند - خجالت نخواهد کشید» - و بنابراین سوال این است که چگونه از «عجله کردن» «شرمنده» می‌شوید؟ و « شاید به این معنا باشد: «کسی که ایمان دارد، عجله نخواهد کرد» به یک معنا بی‌صبر نخواهد بود، حتی اگر اجرای وعده به تأخیر بیفتد. بی‌صبر نخواهد بود - یعنی به این معنا عجله کنید - اما به وعده اعتماد کنید، حتی اگر تحقق و اجرای آن ممکن است به تأخیر بیفتد. من فکر می‌کنم عبارت «خجالت بکش» این ایده را برجسته‌تر می‌کند که امیدهای یک مؤمن ناامید نخواهد شد؛ آنها شرمنده نخواهند شد، امیدهایشان ناامید نخواهد شد. من فکر می‌کنم شباهت نزدیکی بین این ایده‌ها وجود دارد، اما تأکید تا حدودی متفاوت تحت تأثیر ترجمه سپتواجینت است، و نقل قول عهد جدید بر این جنبه از [NIV ترجمه] است... احتمالاً ایده «شتاب کردن» به آن معنا تأکید دارد. گسنیوس استدلال می‌کند که فعل عبری، بر اساس ریشه عبری،

نه تنها به معنای «شتاب کردن» بلکه به معنای «شرم کردن» نیز بوده است. این می‌تواند جهت دیگری باشد، اما من در مورد اعتبار آن مطمئن نیستم - توسل به یک زبان عربی برای یک نوع معنای دوگانه برای کلمه.

اشعیا 28:17 رودخانه از مخفیگاه سرریز می‌کند

بسیار خوب، آیه ۱۷: «من عدالت را به ریسمان و عدالت را به شاقول خواهم بست، و تگرگ پناهگاه دروغ را خواهد روفت و آب‌ها از مخفیگاه سرریز خواهند کرد.» از آنجا که اسرائیل از توکل به پروردگار خود - از طلب کمک و حمایت از طریق تدارک خدا برای ایمان آوردن و توکل کردن - امتناع می‌کند، باید با داوری این آیه روبرو شود، جایی که اشعیا دوباره آمدن آشوریان را با رودخانه‌ای بزرگ مقایسه می‌کند که زمین را غرق خواهد کرد. آب از مخفیگاه سرریز خواهد شد. به یاد دارید که این مشابه فصل هشتم، آیات هفت و هشت است، جایی که اشعیا گفته بود: «آب‌های رودخانه قوی و ... قدرتمند - حتی پادشاه آشور با تمام جلالش، از نهرها بالا خواهد آمد تا از کناره‌های سرریز شود، از یهودا عبور کند، سرریز کند، عبور کند، حتی تا گردن امتداد یابد.» همین نوع پیشنهاد را اینجا ببینید، و البته، تگرگ همان چیزی است که او از آن به عنوان نابودی سامره یاد کرده بود تا داوری فرا برسد و از مخفیگاه سرریز شود.

اشعیا ۱۸:۲۸-۲۰ پیمان با مرگ = آشور، عدم امکان منابع انسانی امنیت

آیه ۱۸: «و پیمان شما با مرگ» - این ترتیبی که با آشوریان دارید - «پیمان شما با مرگ باطل خواهد شد؛ پیمان شما با شئول پایدار نخواهد ماند، هنگامی که تازیانه‌ی سهمگین از آن بگذرد و شما پایمال آن شوید.» این ترتیب بی‌فایده خواهد بود زیرا آشوریان قرار است یهودا و همچنین پادشاهی شمالی را تصرف کنند.

آیات ۱۹ و ۲۰: «از زمانی که بیرون می‌رود، شما را خواهد گرفت: زیرا صبح به صبح، روز و شب از آن عبور خواهد کرد. فقط فهمیدن گزارش آن مایه دردسر خواهد بود. زیرا تخت کوتاهتر از آن است که انسان بتواند خود را روی آن دراز کند و پوشش باریکتر از آن است که بتواند خود را در آن بپیچد.» ترجمه جدید کتاب مقدس می‌گوید: «تخت خیلی کوتاه است که بتوان روی آن دراز کشید، پتو خیلی باریک است که بتوان دور خود پیچید.» این تصویری از عدم امکان تأمین امنیت توسط منابع انسانی بدون خدا است. تفسیر جدید کتاب مقدس در مورد آیه ۲۰ می‌گوید - آیه ۲۰ آیه جالبی است - می‌گوید: این آخرین کلام در مورد منابعی است که به طرز فجیعی شکست می‌خورند.» آخرین کلام در مورد

منابعی که به طرز فجیعی شکست می‌خورند. مطمئنم همه شما تجربه تلاش برای خوابیدن روی تختی را داشته‌اید که خیلی کوتاه است یا سردتان است و پتویی دارید که نمی‌توانید دور خود بپیچید، و این یک نوع تجربه نامیدکننده است. خب، این همان چیزی است که توافق اسرائیل با آشوریان ثابت خواهد کرد.

پتویی که خیلی باریکه و نمی‌تونی دور خودت بپیچی چطور؟ این هفته پسر م باهام تماس گرفت؛ تمام هفته‌ی گذشته که تعطیلات بهاریش بود رو گذروند - این پسر م مارکه، بچه‌ی نیروی دریاییه - هفته‌ی پیش برای گشت و گذار به سیرا نوادا رفت و با کفش‌های برفی از دره‌ی یوسیمیتی در ارتفاع ۷ تا ۸۰۰۰ فوتی در برف ۱.۵ تا ۱.۵ متری پیاده روی کرد. هر شبی که اونجا بودن برف می‌بارید، برای همین تقریباً یخ زده بودن. حتی با وجود همه چیز - تمام لباس‌هایی که پوشیده بود - و بعد، توی کیسه خوابش، که کیسه خواب خوبیه، هنوز سردش بود. شاید یه چیزی از اون حس رو تجربه کرده باشه. گفت چادرت رو می‌زنی، [و] صبح حدود ۱.۵ متر پایین‌تر می‌آیی. گرمای بدنت یه جورایی آبت می‌کنه، از توی برف پایین می‌ری. این آیه‌ی ۲۰ بود.

اشعیا ۲۱:۲۸-۲۲ داوری خدا بر اسرائیل

فراصیم برخاست؛ چنان که در وادی جبعون خشمگین خواهد شد - تا کار خود، کار عجیب خود را انجام دهد، و عمل خود، عمل عجیب خود را به انجام رساند. پس اکنون مسخره نکنید، مبادا دستانتان قوی شود؛ زیرا از جانب خداوند، خدای لشکرها، ویرانی‌ای را که بر تمام زمین مقدر شده است، *است*، احتمالاً به معنای «سرزمین، کشور» است. فکر نمی‌کنم *eretz* شنیده‌ام. «زمین» کلمه عبری در آن زمان جهانی باشد... اما ۲۱ و ۲۲ ... در ۲۱ شما اشاره‌ای به کشتار فلسطینیان تحت فرمان داوود دارید. «خداوند چنان که در کوه فراصیم برخاست، خواهد برخاست.» اول تواریخ ۱۴:۱۱ و ۱۶ از کشتار فلسطینیان توسط داوود به قدرت خداوند سخن می‌گوید. و سپس پیروزی یوشع بر ائتلاف کنعانی او چنان که در وادی جبعون خشمگین خواهد شد. «این در یوشع فصل دهم است - جایی که دعای - یوشع برای ایستادن خورشید و پیروزی خداوند بر کنعانیان را شنیدید. اما توجه کنید که این در آیه ۲۰ چگونه عمل می‌کند: «خداوند مانند کوه فراصیم قیام خواهد کرد. او مانند در وادی جبعون خشمگین خواهد شد. اما تا کار خود، کار عجیب خود را انجام دهد.» حال، داوری خدا بر فلسطینیان یا بر کنعانیان نیست. این بر اسرائیل است؛ بر یهودا است؛ بنابراین این کار عجیب اوست - داوری او بر قوم خودش نازل شده است. نه آنچه بنی‌اسرائیل انتظار داشتند - که داوری او بر آنها نازل شود. بنابراین او می‌گوید از تمسخر دست بردارید - یا مجازات بدتر خواهد شد، «زیرا خداوند تصمیم گرفته است که تمام سرزمین «را داوری کند»

به نظر من ترجمه بهتری دارد: «از تمسخر دست بردارید وگرنه، NIV در آیه ۲۲، ترجمه زنجیرهایتان سنگین‌تر خواهد شد. خداوند، خداوند متعال، از نابودی مقدر شده بر تمام سرزمین به من «خبر داده است»»

و سپس به انتهای فصل، آیات ۲۳ تا ۲۹ اشعیا ۲۸: ۲۳-۲۹ خدا مانند یک کشاورز نقشه می‌کشد می‌رسیم که یک واحد جداگانه در زبان مجازی است و تا حدودی دشوار است که دقیقاً بفهمیم چگونه این با آنچه در فصل آمده است، مطابقت دارد. من چند پیشنهاد ارائه خواهم داد، اما اجازه دهید ابتدا آن را می‌خوانم: «گوش دهید و صدای مرا بشنوید؛ توجه کنید و به آنچه می‌گویم NIV بخوانم. من آن را از گوش دهید. وقتی کشاورزی برای کاشت شخم می‌زند، آیا پیوسته شخم می‌زند؟ آیا خاک را می‌شکند - آیا به شکستن و خرد کردن خاک ادامه می‌دهد؟ وقتی سطح را صاف کرد، آیا زیره نمی‌کارد و زیره نمی‌پاشد؟ آیا گندم را در جای خود، جو را در قطعه زمین خود و جو را در مزرعه خود نمی‌کارد؟ خدایش او را راهنمایی می‌کند و راه درست را به او می‌آموزد. زیره را با سورت‌مه نمی‌کوبند و چرخ ارابه را روی زیره نمی‌غلطانند. زیره را با چوب می‌کوبند و زیره را با چوب. برای تهیه نان، دانه باید آسیاب شود، بنابراین کسی آن را تا ابد نمی‌کوبد. اگرچه چرخ‌های ارابه خرم‌نکوب را روی آن می‌رانند، اسب‌های آن را آسیاب نمی‌کنند. همه اینها نیز از جانب خداوند متعال می‌آید، که در تدبیر شگفت‌انگیز و در حکمت «باشکوه است»»

به نظر من در بخش‌های ۲۳ و ۲۶ - بخش اول - منظور این است که خدا کارگری نیست که کارها را به صورت تصادفی انجام دهد. و البته، او در اینجا از تشبیه نحوه انجام کار یک کشاورز استفاده می‌کند، اما خدا کارگری نیست که کارها را به صورت تصادفی انجام دهد. او برنامه‌هایی دارد که با دقت طرح‌ریزی شده‌اند و آنها را به روشی سازگار با موادی که با آنها کار می‌کند، اجرا می‌کند. او برنامه‌های دقیقی دارد؛ او آنها را به روشی سازگار با موادی که با آنها کار می‌کند، اجرا می‌کند. بنابراین، شخم‌زن برای همیشه شخم نمی‌زند. وقتی کشاورزی برای کاشت شخم می‌زند، آیا دائماً شخم می‌زند؟ نه، او برای همیشه شخم نمی‌زند. بعد از شخم زدن، بذر را می‌کارد. بنابراین وقتی خدا با این مرحله‌ی فعلی از رسیدگی به قوم خود تمام شد، مرحله‌ی بعدی را آغاز می‌کند. او قرار نیست برای همیشه شخم بزند؛ او همچنین خواهد کاشت. او قرار نیست برای همیشه بکارد، اما در زمان مناسب نیز برداشت خواهد کرد. بنابراین به نظر من، اینجا قیاسی بین رفتار خدا با قومش و نحوه برخورد یک کشاورز با مراحل مختلف کار کشاورزی‌اش وجود دارد. خدا از یهودا محافظت کرده است، اما آنها نباید فکر کنند که اگر به بی‌ایمانی و نافرمانی ادامه دهند، او برای همیشه از آنها محافظت خواهد کرد. او داوری را خواهد آورد.

وقتی او داوری را بیاورد، آن داوری نیز برای همیشه نخواهد بود. خداوند به مرحله بعدی خواهد رفت. اما به نظر می‌رسد روش کشاورز، تمثیلی از رفتار خدا با قومش است.

اما وقتی به آیات ۲۷ تا ۲۹ - به ویژه ۲۷ و ۲۸ - می‌رسیم، کشاورز با انواع مختلف محصولات به طور متفاوتی برخورد می‌کند. زیره با سورتمه کوبیده نمی‌شود، و چرخ ارابه زیره را زیر پا نمی‌گذارد. زیره با چوب زده می‌شود، زیره با چوب و غیره. کشاورز با انواع مختلف محصولات به طور متفاوتی برخورد می‌کند، بنابراین خداوند با کسانی که خارج از عهد او هستند، متفاوت از کسانی است که قوم او هستند. و در این زمینه، فکر می‌کنم یک چیز در این رابطه روشن می‌شود که او قوم خود را مجازات خواهد کرد، آنها را تنبیه خواهد کرد، آنها را داوری خواهد کرد، اما آنها را در نهایت نابود نخواهد کرد. او قوم خود را تنبیه خواهد کرد، اما نه نابودی نهایی.

فکر می‌کنم چیزهای بیشتری در این تمثیل هست، اما فکر می‌کنم بله، فکر می‌کنم این هم در آن گنجانده شده است. فکر نمی‌کنم فقط به طور خاص این باشد، بلکه خدا از مراحل مختلفی عبور خواهد کرد تا با قوم خود در زمان‌ها و روش‌های مختلف برخورد کند و در این مرحله، به دلیل نافرمانی آنها، این داوری را به همراه خواهد داشت.

بیشتر خارج از متن - اصلی که در شکل آیات ۲۷-۲۸ به نظر می‌رسد این است که انواع مختلف مواد توسط کشاورز به روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند. حال، در این زمینه، شما اظهاراتی در مورد آشور، قطع جنگل برای رشد دوباره، داشته‌اید. با این حال، اسرائیل قرار است داوری شود و خواهد شد، بنابراین به نظر من، این یکی از کاربردهای ممکن آن اصل است - روشی که خدا با اسرائیل رفتار می‌کند. این بخش دشوار است.

اشعیا ۱: ۲۹ آریل

بسیار خوب، بیایید به فصل ۲۹ برویم. این فصل با این جمله شروع می‌شود: «وای بر تو، آریل، شهری که داوود در آن ساکن شد.» به نظر می‌رسد که آریل نامی است که برای صهیون یا اورشلیم استفاده می‌شود. «وای بر تو، آریل، شهری که داوود در آن ساکن شد.» سوال این است: این اصطلاح به چه معنای شیر گرفته شده است، بنابراین «شیر *ariel* چه معناست؟ برخی گفته‌اند که از ریشه عبری خدا» می‌شود. اما یک ریشه عربی وجود دارد که نشان می‌دهد معنای آریل «آتشدان» یا «آتشدان» است. در این زمینه، به نظر می‌رسد که «آتشدان» یا «آتشدان» خیلی بهتر با این جمله مطابقت دارد، اما این از یک قیاس عربی ناشی می‌شود. می‌بینید، اگر بیشتر بخوانید، «وای بر تو، آریل، شهری که داوود در آن ساکن شد.» اضافه کنید سال به سال؛ بگذار چرخه‌ی جشن‌هایت ادامه یابد. با این حال، من آریل را محاصره خواهم کرد؛ او سوگواری و زاری خواهد کرد، و برای من مانند آتشدان خواهد بود.» در

ترجمه‌ی جدید ملی آمده است که واژه‌ی عبری «آتشدان» با واژه‌ی عبری آریل یکسان است. بنابراین، آریل باید رنج و سختی را متحمل شود.

با این حال، این چیزی نیست که برای همیشه یا کاملاً نابود شود. در آیه سوم می‌خوانید: «من از هر طرف علیه تو اردو خواهم زد. تو را با برج‌ها محاصره خواهم کرد و دژهای محاصره‌ام را علیه تو برپا خواهم کرد. تو که خوار شده‌ای، از زمین سخن خواهی گفت. کلام تو از خاک زمزمه خواهد کرد. صدای تو مانند ارواح از زمین خواهد آمد. کلام تو از خاک تو زمزمه خواهد کرد.» بنابراین در چهار آیه اول، شهر را در محاصره، در هم کوبیده شده و در عذاب داوری می‌بینید. اما سپس در آیات پنج تا هشت، وضعیت برعکس می‌شود. پنج تا هشت می‌گوید: «اما دشمنان شما مانند غبار ریز خواهند شد، و لشکریان بی‌رحم مانند کاه باد کرده. ناگهان، در یک لحظه، خداوند متعال با رعد و زلزله و صدای عظیم، با طوفان‌ها، تندبادها و شعله‌های آتش سوزان خواهد آمد. آنگاه لشکریان تمام ملت‌هایی که با آریل می‌جنگند، که به قلعه‌اش حمله می‌کنند و او را محاصره می‌کنند، مانند یک رویا، با یک رؤیا در شب خواهند بود - مانند زمانی که یک مرد گرسنه خواب می‌بیند که غذا می‌خورد، اما بیدار می‌شود و گرسنگی‌اش باقی می‌ماند؛ مانند زمانی که یک مرد تشنه خواب می‌بیند که آب می‌نوشد، اما از خواب بیدار می‌شود، در حالی که تشنگی‌اش سیراب نشده است. بنابراین، لشکریان تمام ملت‌هایی که با کوه صهیون می‌جنگند، چنین خواهند بود.» بنابراین در آیات پنج تا هشت، اگرچه یهودا در رهایی از [آن] درمانده است - و فکر می‌کنم در اینجا هنوز به مهاجمان آشوری اشاره دارد، اگرچه به صورت جمع با ملت‌ها آمده است، و انبوهی از همه ملت‌ها... به نظر من، در این زمینه، ما هنوز در مورد پیشروی آشوریان علیه یهودا صحبت می‌کنیم.

برخی از اشارات نشان می‌دهد که سایر ملت‌ها به پیشروی . خداوند از یهودا محافظت خواهد کرد آشوریان علیه یهودا پیوسته‌اند، اما من چنین چیزی نمی‌بینم. اما به نظر من این همان چیزی است که مد نظر است. اما اگرچه آنها در برابر آن یورش درمانده هستند، خداوند از یهودا محافظت خواهد کرد. متوجه می‌شوید که او می‌گوید: «ناگهان، در یک لحظه، خداوند خواهد آمد» و آیه پنج می‌گوید: «دشمنان شما مانند غبار ریز و انبوه بی‌رحم مانند کاه باد کرده خواهند شد.» بنابراین، وقتی به آیات هفت و هشت می‌رسید، برای پادشاه آشور درست مانند مرد گرسنه‌ای به نظر می‌رسد که خوابیده و رویای غذایی عالی را در سر می‌پروراند و وقتی بیدار می‌شود می‌بیند که چیزی ندارد. آشور فکر می‌کند، *ببین، ما یهودا را داریم، ما اورشلیم را داریم*، اما خداوند مداخله می‌کند و آشوریان مجبور به عقب‌نشینی در زمان حزقیا می‌شوند، همانطور که بعداً در کتاب اشعیا می‌خوانیم. بنابراین فکر می‌کنم تحقق تحت‌اللفظی آن را

در فصل ۳۷ اشعیا، در زمان حزقیاء، می‌بینید، زمانی که سنحاریب به یهودا حمله می‌کند، سوگند می‌خورد که اورشلیم را تصرف کند، اما سپس مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.

اشعیا ۹: ۲۹-۱۲ از خداوند و کلام او رویگردان شدند

بسیار خوب، آیات ۹ تا ۱۲: «مبهوت و متحیر شوید، خود را کور و بینا کنید؛ مست شوید، اما نه از شراب، تلو تلو بخورید، اما نه از آبجو. خداوند خواب عمیقی بر شما مسلط کرده است: چشمان شما (انبیا) را مهر کرده است؛ سرهای شما (بینندگان) را پوشانده است. تمام این رؤیا برای شما چیزی جز کلماتی نیست که در یک طومار مهر و موم شده است. و اگر طومار را به کسی که می‌تواند بخواند بدهید و به او بگویید: «لطفاً این را بخوان»، او پاسخ خواهد داد: «نمی‌توانم؛ مهر و موم شده است.» یا اگر طومار را به کسی که نمی‌تواند بخواند بدهید و بگویید: «لطفاً این را بخوان»، او پاسخ خواهد داد: «من نمی‌دانم چگونه بخوانم.»» ۹ تا ۱۲ - به نظر من چیزی که شما دارید، ادامه‌ی سرزنش رهبران سرزمین، اشراف است. آنها از شراب مست هستند؛ همانطور که در فصل ۲۸، آیه ۷ می‌خوانیم، آنها نیز از طریق شراب، از طریق نوشیدنی‌های قوی گمراه شده‌اند. آنها از راه خارج شده‌اند - بنابراین آنها از شراب مست شده‌اند، اما او علاوه بر این، در آیه نهم، اشاره می‌کند که آنها مست هستند اما نه از شراب. «مبهوت و متحیر شوید، خود را کور کنید، نابینا باشید؛ مست شوید، اما نه از شراب؛ تلو تلو بخورید، اما نه از آبجو.»

حالا چیزی که او به آن اشاره می‌کند این است که آنها از خدا روی برگردانده‌اند. آنها کتابی پیش روی خود دارند و می‌توانند به راحتی آن را بخوانند، اما از انجام این کار امتناع می‌کنند. آنها این طومار را دارند که فکر می‌کنم به کلام خدا اشاره دارد و می‌توانند آن را بخوانند، اما «اگر طومار را به کسی که می‌تواند بخواند بدهید و به او بگویید، 'این را بخوان'، او می‌گوید، 'من نمی‌توانم، مهر و موم شده است.' و اگر آن را به کسی که نمی‌تواند بخواند بدهید و بگویید، 'این را بخوان'، او پاسخ می‌دهد، 'من نمی‌دانم چگونه بخوانم.'» آنها بهانه‌هایی دارند. کسی که قادر به خواندن است، زحمت شکستن مهر و موم را برای خواندن آن به خود نمی‌دهد. کسی که قادر به خواندن نیست، زحمت نمی‌کشد آن را نزد کسی که می‌تواند بخواند ببرد تا برایش بخواند. آنها به خواندن علاقه‌ای ندارند؛ آنها به کلام خداوند علاقه‌ای ندارند، بنابراین در این خواب عمیق هستند - آنها مست هستند اما نه از شراب؛ آنها از خداوند روی برگردانده‌اند و هیچ علاقه‌ای به خداوند ندارند. بنابراین به نظر من وضعیت تا پایان آیه ۱۲ همین است.

اشعیا ۲۹: ۱۳-۲۴ اسرائیل با آشور توطئه می‌کند، آنها خود را کوزه‌گر می‌دانند

آیات ۱۳ تا ۲۴: متنی بسیار جالب، اما تفسیر آن بسیار دشوار است. من پیشنهادی می‌دهم. می‌توانید در مورد آن فکر کنید. به نظر من آنچه در آیات ۱۳ تا ۲۴ وجود دارد، نوعی نگاه کلی به خدا است - به برنامه خدا برای قومش در آینده که بسیار فراتر از وضعیت فعلی - زمان آحاز و حزقیایا - می‌رود. ببینید آن را بخوانیم و سپس در مورد آن اظهار نظر خواهیم کرد. سیزدهم: «خداوند می‌گوید: این قوم با زبان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خود مرا گرامی می‌دارند، اما دل‌هایشان از من دور است. پرستش من فقط از قوانینی است که توسط انسان‌ها آموخته شده است. بنابراین، یک بار دیگر این قوم را با شگفتی‌های پی در پی شگفت‌زده خواهیم کرد. حکمت حکیمان از بین خواهد رفت، هوش خردمندان از بین خواهد رفت. وای بر کسانی که به اعماق زمین می‌روند تا نقشه‌های خود را از خداوند پنهان کنند، کسانی که کار خود را در تاریکی انجام می‌دهند و فکر می‌کنند: «چه کسی ما را می‌بیند؟ چه کسی خواهد دانست؟» شما چیزها را وارونه جلوه داده‌اید، گویی کوزه مگر مانند گل است. آیا مصنوع می‌تواند به صانع خود بگوید که او مرا نساخته است؟ آیا کوزه می‌تواند درباره کوزه‌گر بگوید که او هیچ نمی‌داند؟ آیا در زمانی بسیار کوتاه، لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد و مزرعه حاصلخیز مانند جنگلی به نظر نخواهد رسید؟ در آن روز، ناشنویان سخنان طومار را خواهند شنید و از میان تاریکی و ظلمت، چشمان نابینایان خواهد دید. فروتنان بار دیگر در خداوند شادمان خواهند شد؛ نیازمندان در قدوس اسرائیل شادی خواهند کرد. ظالمان ناپدید می‌شوند، مسخره‌کنندگان ناپدید می‌شوند و همه کسانی که چشم بدی دارند، نابود خواهند شد - کسانی که با یک کلمه، انسانی را گناهکار جلوه می‌دهند، کسانی که مدافع را در دادگاه به دام می‌اندازند و با شهادت دروغ، بی‌گناهان را از عدالت محروم می‌کنند. بنابراین، این همان چیزی است که خداوند، که ابراهیم را نجات داد، به خاندان یعقوب می‌گوید: «یعقوب دیگر شرمنده نخواهد شد؛ دیگر چهره‌هایشان رنگ نخواهد باخت. وقتی فرزندان خود را که کار دست من هستند در میان خود ببینند، نام مرا مقدس خواهند داشت. آنها قدوسیت قدوس یعقوب را تصدیق خواهند کرد و از خدای اسرائیل خواهند ترسید. کسانی که در روح خود سر هستند، فهم خواهند یافت؛ کسانی که شکایت می‌کنند، راهنمایی را خواهند پذیرفت.» اکنون، فکر می‌کنم آنچه را که اینجا می‌بینید، می‌بینید. آیا خداوند اعلام می‌کند که قرار است کار شگفت‌انگیزی در میان قوم خود انجام دهد؟

حال، اگر آیه ۱۴ از عهد عتیق در کینگ جیمز را بخوانید، خواهید خواند: «بنابراین، اینک من در میان این قوم کار شگفت‌انگیزی انجام خواهم داد، کاری شگفت‌انگیز و شگفت‌انگیز. اما حکمت آمده است: «من این مردم را با شگفتی‌های پی در پی NIV حکیمان ایشان از بین خواهد رفت.» در انجیل شگفت‌زده خواهیم کرد.» اما چیزی شگفت‌انگیز، کاری شگفت‌انگیز، رخ خواهد داد. او باعث خواهد شد که حکمت حکیمان از بین برود؛ حکمت حکیمان از بین خواهد رفت، هوش خردمندان از بین خواهد رفت.» این آیه ۱۴ است.

من فکر می‌کنم آیه ۱۵ دوباره اشاره‌ای به این نقشه در موقعیت فوری برای نجات زمین از طریق اتحاد با قدرت‌های شرور است. آیه ۱۵ می‌گوید: «وای بر کسانی که به اعماق زمین می‌روند تا نقشه‌های خود را از خداوند پنهان کنند، کسانی که کار خود را در تاریکی انجام می‌دهند و فکر می‌کنند، چه کسی این را می‌بیند؟ چه کسی خواهد فهمید؟» **ما این توافق را با آشوریان انجام خواهیم داد، ما امنیت خود را در آنجا خواهیم یافت. این کار مخفیانه انجام می‌شود - چه کسی خواهد فهمید؟** اما سپس آیات ۱۶ و ۱۷: اسرائیل طوری رفتار می‌کند که انگار کوزمگر است، به جای اینکه خودشان گل باشند و خداوند کوزمگر. این چیزها را وارونه می‌کند. ببینید، شما چیزها را وارونه می‌کنید؛ کوزمگر مانند گل تصور می‌شد، که «آیا مصنوع به صانع خود خواهد گفت که مرا نساخته است؟» آنها طوری رفتار می‌کنند که انگار کوزمگر هستند، نه گل و خداوند کوزمگر، و خداوند با انجام این دگرگونی بزرگ - واژگون کردن شرایط فعلی - نشان خواهد داد که او کوزمگر است و آنها گل هستند. اشعیا

و به نظر من این زمینه‌ی جمله‌ی کلیدی در لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل شد [نه اسرائیل] ۲۹:۱۷ کل این متن است که در آیه‌ی ۱۷ به صورت مجازی است. و نحوه‌ی تفسیر شما از آیه‌ی ۱۷ - تعیین می‌کند که چگونه بیشتر بقیه‌ی این متن را تفسیر می‌کنید. می‌بینید، آیه‌ی ۱۷ می‌گوید: «در مدت کوتاهی لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد و مزرعه‌ی حاصلخیز مانند جنگلی به نظر نخواهد رسید؟» حالا به نظر من چیزی که در آنجا گفته می‌شود این است که اسرائیل مزرعه‌ی حاصلخیز، مزرعه‌ی پربار بوده است. اسرائیل آن تاکستانی بوده است که خداوند آن را پرورش داده است. او با عشق و مراقبتش، به وفور زمین را حفر کرده است در مورد تاکستان، آن را حفظ کرد. غیریهودیان مانند جنگل‌های لبنان، خارج از عهد اسرائیل هستند. و اکنون او قرار است این کار شگفت‌انگیز آیه ۱۴ را انجام دهد - کار شگفت‌انگیز. و آن چیست؟ لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد و مزرعه حاصلخیز به عنوان یک جنگل گرامی داشته خواهد شد. بنابراین به نظر من منظور آیه ۱۷ این است که با قوم اسرائیل باید طوری رفتار شود که گویی خارج از عهد خدا هستند، در حالی که کسانی که قبلاً خارج از عهد بودند، باید در میان قوم خدا قرار گیرند. «آیا در اندک زمانی لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد، [و] «مزرعه حاصلخیز مانند جنگلی به نظر نخواهد رسید؟»

هرچند این موضوع در ، اشعیا ۲۹:۱۸ کسانی که خارج از عهد هستند، اکنون به اینجا آورده شده‌اند آیه ۱۸ بیشتر توضیح داده شده است - حداقل اگر این درک از این شکل را بپذیرید. من فکر می‌کنم همیشه وقتی به یک شکل و آنچه که آن شکل نشان می‌دهد می‌رسیم، تا حدودی عدم قطعیت وجود دارد، و

پیشنهادهای دیگری در مورد آنچه که آن شکل نشان می‌دهد، وجود داشته است. اما اگر آن را از این منظر ببینید، آن فکر در آیه ۱۸ بیشتر توضیح داده شده است: «در آن روز، ناشنوایان سخنان طومار را خواهند شنید، [و] از میان تاریکی و ظلمت، چشمان نابینایان خواهند دید.» پیش از این در فصل قبل، در آیات ۱۱ و ۱۲، به ما گفته شده است که مردمی که شریعت خدا را دارند و می‌توانند آن را بخوانند، از انجام این کار خودداری می‌کنند. قوم خود خدا: آنها انواع بهانه‌ها را می‌آورند - آنها علاقه‌ای به شنیدن کلام خداوند ندارند، و در اینجا در آیه ۱۸ می‌خوانید که اکنون به ناشنوایان امتیاز شنیدن داده می‌شود. «در آن روز، ناشنوایان سخنان طومار را خواهند شنید و به نابینایان بینایی داده خواهد شد. از میان تاریکی و ظلمت، چشمان نابینایان خواهد دید.» بنابراین، بت‌پرستانی که خارج از عهد خدا بوده‌اند، باید آورده شوند، چشمانشان باز شود، گوش‌هایشان باز شود و جای خود را در میان قوم خدا بگیرند.

به نظر من، تصویر اینجا همان چیزی را نشان می‌دهد که تصویر درخت زیتون در رومیان ۱۱ نشان می‌دهد، که در آن برخی از شاخه‌ها شکسته شده و این شاخه‌های وحشی به جای آنها پیوند زده شده‌اند. فکر می‌کنم در اینجا نیز می‌توانید تا حدودی یک شباهت بین آنچه در اینجا از آن صحبت می‌شود و آنچه در اشعیا فصل هفتم یافتیم، ببینید. آن موضوع سوری-افریمی و پیام اشعیا به آحاز پادشاه را به یاد داشته باشید: در اشعیا فصل هفتم، خدا آحاز را سرزنش کرد و گفت که در زمان خودش، او آحاز، پادشاه بی‌لیاقت، را با یک ساکن شایسته تاج و تخت داوود - با عمانوئیل - جایگزین خواهد کرد. و در اینجا در فصل ۲۹، او رهبران شرور سرزمین، اشراف، را به دلیل بی‌تفاوتی‌شان به کلام خدا، بی‌علاقگی‌شان، بهانه‌هایشان سرزنش می‌کند، و او واقعاً می‌گوید، **شما با کسانی جایگزین خواهید شد که آنها را خارج از دایره قوم خدا می‌دانید**. پس در آن روز، کران سخنان طومار را خواهند شنید و چشمان نابینایان از میان تاریکی و ظلمت، خواهد دید.

(اشعیا ۲۹: ۱۹-۲۲)

آیه ۲۲ - خب - من در مورد ... نظر ندادم. بگذارید از ۱۹ تا ۲۱ بگذرم؛ شاید دوباره به آن برگردیم، اما ۱۹: «بار دیگر فروتنان در خداوند شادی خواهند کرد؛ نیازمندان در قدوس اسرائیل شادی خواهند کرد. ظالمان ناپدید خواهند شد، مسخره‌کنندگان ناپدید خواهند شد، و همه کسانی که چشم بدی دارند، نابود خواهند شد - کسانی که با یک کلمه، انسانی را گناهکار جلوه می‌دهند، کسانی که مدافع را در دادگاه به دام می‌اندازند و با شهادت‌های دروغ، بی‌گناهان را از عدالت محروم می‌کنند»

سپس به آیات ۲۲ تا ۲۳ می‌رسید. در آنجا می‌خوانید: «بنابراین، این همان اشعیا ۲۲: ۲۹-۲۳ چیزی است که خداوند، که ابراهیم را نجات داد، به خاندان یعقوب می‌گوید: یعقوب دیگر شرمنده نخواهد

شد، دیگر رنگ چهره‌هایشان پریده نخواهد شد. هنگامی که در میان فرزندان خود کار دست‌های مرا ببینند، نام مرا مقدس خواهند داشت؛ و قدوسیت قدوس یعقوب را تصدیق خواهند کرد.» شاید انتظار داشته باشید که یعقوب به خاطر وضعیت فرزندانش در بدبختی باشد، اما آنچه می‌خوانیم این است: او شاد خواهد شد. و آیه ۲۳ دلیل آن را می‌گوید: او فرزندانش را خواهد دید. ببینید، دیگر یعقوب شرمنده نخواهد شد. چون فرزندان خود را در میان خود ببینند، که ساخته‌ی دست من هستند. « یعقوب فرزندان خود را، که ساخته‌ی دست خدا هستند، خواهد دید. من فکر می‌کنم آنچه گفته می‌شود این است که اسرائیل واقعی با اضافه شدن کسانی که لزوماً از نسل یعقوب طبق جسم نیستند، افزایش خواهد یافت. اما آنها کسانی هستند که با قدرت خدا نجات یافته‌اند و ساخته‌ی دست خدا هستند. بنابراین شما می‌خوانید: «بنابراین، این همان چیزی است که خداوند، که ابراهیم را نجات داد، به خاندان یعقوب می‌گوید: دیگر یعقوب شرمنده نخواهد شد، زیرا وقتی فرزندان خود را، که ساخته‌ی دست من هستند، در میان خود ببینند، نام مرا مقدس خواهند داشت.» آنها قدوسیت قدوس یعقوب را تصدیق خواهند کرد و از خدای اسرائیل خواهند ترسید

اشعیا ۲۴:۲۹ بازگشت غیریهودیان به سوی خدا

آیه ۲۴ - نتیجه‌گیری - شاید به آینده‌ای دورتر نگاه می‌کند. زیرا در آنجا می‌خوانید: «کسانی که در روح منحرف هستند، فهم خواهند یافت؛ و کسانی که شکایت می‌کنند، تأدیب را خواهند پذیرفت.» حکیمانی که از خدا روی گرداندند و نادان شدند و طرد شدند، سرانجام آن را خواهند فهمید. بنابراین کسانی که در روح گمراه یا در روح منحرف بودند نیز سرانجام آن را خواهند فهمید. فکر می‌کنم در اینجا شاید شما با آنچه پولس در رومیان ۱۱ می‌گوید، با تصویر درخت زیتون، که شاخه‌های طبیعی، که برای مدتی شکسته شده بودند، دوباره بازگردانده می‌شوند و دوباره به درخت زیتون خود پیوند زده می‌شوند، شباهت داشته باشید. کسانی که در روح منحرف هستند، فهم را به دست خواهند آورد. کسانی که شکایت می‌کنند، تأدیب را خواهند پذیرفت. حال اگر این یک راه مشروع برای درک آنچه در این فصل می‌گذرد باشد، می‌بینید که از آیه ۱۴ - از آیه ۱۳ به بعد - از آیه ۱۳ تا پایان، این نوع نگاه کلی به آینده خدا در برخورد با قومش را دریافت می‌کنید، زیرا خدا از یهودیان به غیریهودیان روی می‌آورد و در نهایت خود یهودیان را به آن درخت زیتون باز می‌گرداند. همانطور که اشاره کردم، کلید این موضوع آیه ۱۷ است: با آن تصویری که در قلب کل این متن قرار دارد چه می‌کنید؟ تبدیل لبنان به یک مزرعه حاصلخیز، و مزرعه حاصلخیز مانند یک جنگل؟ و نحوه درک شما از این موضوع، بر نحوه درک جزئیات بقیه متن تأثیر خواهد گذاشت.

اشعیا ۲۹: ۱۹-۲۱ تضعیف نفوذ شر با گسترش انجیل

آیات ۱۹ و ۲۱ دشوار هستند. فکر می‌کنم بتوانید آن را به این معنا درک کنید که با گسترش انجیل، با انتقال انجیل از اسرائیل به غیریهودیان و گسترش آن در سراسر ملت‌های جهان، نفوذ شر تضعیف خواهد شد. تضعیف نفوذ شر - نه ریشه‌کن کردن، بلکه تضعیف آن

در آن لحظه ممکن است اینطور به نظر برسد که بله، بله... اما همانطور که در آیه ۱۹ می‌بینید، فروتنان شادی خود را در خداوند افزایش خواهند داد، فقیران در میان مردم در قدوس اسرائیل شادی خواهند کرد - مطمئناً می‌توانید این را از نظر تجربه انجیل درک کنید.

اشعیا ۲۰:۲۹-۲۱

آیات ۲۰ و ۲۱: آن ظالم نابود می‌شود، مسخره‌کننده نابود می‌گردد، همه کسانی که در پی شرارت هستند، نابود می‌شوند، کسانی که انسانی را به خاطر یک کلمه مجرم می‌سازند، برای کسی که در دروازه‌ای تویخ می‌کند دام می‌گسترانند، عادل را به خاطر هیچ چیز کنار می‌گذارند. آن نوع رفتاری که کاملاً ناعادلانه است - آن نوع چیزی که با گسترش انجیل از طریق تأثیری که انجیل بر شیوه‌های زندگی انسان دارد، تضعیف شده است. خب، دوباره می‌بینید، فکر می‌کنم این بستگی به این دارد که با آیه ۱۷ چه می‌کنید. بگذارید ایده‌ای کاملاً متفاوت از آنچه در اینجا پیشنهاد دادم به شما بدهم: جی بارتون پین با آیه کاملاً متفاوت برخورد می‌کند، و سپس با آیات دیگر نیز متفاوت برخورد می‌کند و آن را در چارچوب ۱۷ وضعیت آشوریان قرار می‌دهد. پین وقتی می‌گوید: «اندک زمانی لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد»، او این را نمادی از لبنان می‌داند که به سطح ضعف تنزل یافته است؛ ببینید، او مزرعه‌ی حاصلخیز را نمادی از ضعف می‌داند: لبنان به سطح ضعف تنزل خواهد یافت، در حالی که اسرائیل قدرتمندتر خواهد شد. مزرعه‌ی حاصلخیز به عنوان یک جنگل به نظر خواهد رسید، جنگل نمادی از قدرت است. بنابراین - فکر می‌کنم برخی از این موارد را در نقل قول‌های شما داشتند... به صفحه ۲۲، پاراگراف آخر نگاه کنید. تحت پین. آیه ۱۷ - این مربوط به این فصل است - ۲۹:۱۷. «اندک زمانی لبنان به مزرعه‌ای حاصلخیز تبدیل خواهد شد، مزرعه‌ی حاصلخیز به عنوان یک جنگل به نظر خواهد رسید و توضیح می‌دهد که لبنان، نور اشعیا ۱۰:۳۴، که به نظر می‌رسید نمادی از امپراتوری بزرگ آشور،» است که دوباره در شرف تنزل به سطح ضعف است، در حالی که اسرائیل، از سوی دیگر، قدرتمندتر خواهد شد.

بالای صفحه ۲۳: یک رشته ارجاعات وجود دارد، اما متوجه می‌شوید که اولین مورد آیات ۱۸ تا است، همین بخشی که ما به آن نگاه می‌کردیم. او اینگونه به موضوع نگاه می‌کند: مجموعه‌ای بزرگ ۲۴ از پیشگویی‌ها که در میان پیش‌بینی‌هایی درباره پیشروی سنحاریب و نابودی بعدی در مورد اثرات معاصر که این نابودی به بار خواهد آورد، پراکنده شده‌اند، این‌ها با وعده‌هایی برای اثبات بی‌گناهی

اسرائیل آغاز می‌شوند. یعقوب اکنون وقتی فرزندانش را ببیند شرمنده نخواهد شد - یعقوب در فرزندانش چه می‌بیند؟ می‌بیند که در آیه ۲۳ آمده است - کسانی که توسط سنحاریب نابود نشده‌اند، بلکه در میان او نام مرا تقدیس خواهند کرد و از خدا خواهند ترسید. حلیمان شادی خود را در خداوند افزایش خواهند داد» و سپس پاراگراف بعدی: ۲۰ تا ۲۱ اضافه می‌کند: «مسخره‌کننده و همه کسانی که در پی شرارت هستند و عادل را منحرف می‌کنند، متوقف می‌شوند» به این معنی که احترام و ترس سالمی آنها را فرا گرفته است - نتیجه‌ای که در دوم پادشاهان ۱۸ و ۱۹ دیده نمی‌شود، اما مکمل ارزشمندی برای این روایت تاریخی است. به عبارت دیگر، آنچه پین می‌گوید این است که وقتی خدا مداخله می‌کند و از آشوریان رهایی می‌بخشد، تأثیری که بر مردمی که آن را مشاهده می‌کنند می‌گذارد، همان چیزی است که در اینجا در اشعیا ۲۹ توصیف شده است. او می‌گوید که این در دوم پادشاهان ذکر نشده است، اما این چیزی است که در اینجا مد نظر است.

چنین اعتقادی در مورد مسائلی که باید هم مذهبی و هم اخلاقی باشند، به زمین می‌خورد. 30:22:

و تمام بت‌های نقره‌ای خود را نجس خواهید کرد و چیزهای ناپاک را دور خواهید انداخت.» به طور مثبت‌تر، 29:24 پیش‌بینی می‌کند که کسانی که در روح خود خطا می‌کنند، به درک و فهم خواهند رسید، زیرا وقتی گناهکار محکوم در 33:14 می‌پرسد، چه کسی از ما می‌تواند با آتش سوزان ساکن شود؟، اشعیا قبلاً در آیات 15 و 16 پاسخ داده بود: کسی که با راستی در توصیفات پیامبر گام بردارد. با این حال، اشعیا 29:18 از ناشنوایانی صحبت می‌کند که کلمات کتاب را می‌شنوند - ایده این است که بازگشت الهی، روشنایی واقعی را به ارمغان می‌آورد. این مردم به درک درستی رسیدند زیرا خدا مداخله کرد و نجات داد، و بنابراین او تصویری را که می‌بینید از لبنان که به یک مزرعه پربار تبدیل می‌شود، به عنوان نمادی از ضعف آشور می‌بیند، و مزرعه پربار که به عنوان یک جنگل در نظر گرفته می‌شود، نشان دهنده قدرت گرفتن اسرائیل است، و سپس نتایج آن همان چیزی است که در آیات 18 تا 24 شرح داده شده است. بنابراین، ما دوباره به این موضوع تفسیر ارقام برمی‌گردیم. بسیار دشوار است. بله

آیا این رؤیا بعداً در طول زندگی مسئله کلیدی تفسیری: "مزرعه پربار"، نماد ضعف یا کشت خدا خود اشعیا محقق شد؟ خب، نمی‌دانم که آیا می‌توان گفت که استفاده از یک رقم برای پیش‌بینی چیزی که در آینده نزدیک‌تر و نه در آینده دورتر خواهد بود، محتمل یا بعید است - منظورم این است که در اصل، هنوز هم پیش‌بینی است، بنابراین نمی‌دانم. اما ببینید، برای من مشکل بیشتر به معنای ایده مزرعه پربار است. برای من، مزرعه پربار در چارچوب افکار اشعیا، قوم خودش است. این نمادی از ضعف نیست. مزرعه‌ی بارور. نه، تاکستان قوم خدا بود که او از آنها مراقبت می‌کرد و آنها را کشت می‌کرد و نذر می‌کرد. و آنچه او می‌گوید این است که لبنان قرار است به مزرعه‌ی بارور تبدیل شود. اسرائیل مزرعه‌ی

بارور من بوده/ است ، اما شما قرار است به جنگل تبدیل شوید. شما قرار است مدتی خارج از این حوزه‌ی دخالت و کار مستقیم من باشید. می‌بینید، اشعیا از نمادهای قدرت و ضعف استفاده می‌کند - مزرعه‌ی بارور به عنوان ضعف - جنگل به عنوان قدرت. خب، می‌توانید تا جایی که می‌خواهید در مورد آن بحث کنید.

فکر می‌کنم با همه اینها جور درمی‌آید، و نکته دیگری که با آن جور درمی‌آید این است که به هر حال آیه ۱۷ در فصل ۲۸ را در نظر بگیرید، باید آیه ۱۵ در فصل ۳۲ را هم در نظر بگیرید. به همان تصویرسازی برمی‌گردید. در فصل ۳۲ می‌خوانید: «تا زمانی که روح از اعلی بر ما ریخته شود و بیابان به مزرعه‌ای حاصلخیز و مزرعه‌ای حاصلخیز به جنگلی تبدیل شود.» و به نظر من ریخته شدن روح از اعلی بر ما، همان پنطیکاست است - آمدن روح القدس و با آمدن روح القدس است که این وارونه شدن را می‌بینیم - غیریهودیان به حوزه فعالیت رستگاری بخش خدا آورده می‌شوند، اما پین هنوز سعی می‌کند آن را به آشوریان ربط دهد - فکر می‌کنم با ۳۲:۱۵ دشوارتر باشد - اما در ۳۲:۱۵ همان ارقام در ۲۹:۱۷ وجود دارد.

رونویسی توسط چلسی ریول
 تدوین: کارلی گیمن
 ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
 ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
 روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس